

هویت شهر و کمال‌بخشی به بافت تاریخی آن

(مطالعه موردی: مشهد مقدس)

دکتر محمد نقی زاده*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۶/۳۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۰۱/۳۰

چکیده

همه‌ی پدیده‌های عالم محکوم به تحول و حرکت هستند. در یک روال منطقی، همه‌ی این دگرگونی‌ها بایستی به سمت کمال باشند. شهرها نیز به عنوان ظرف فعالیت‌ها و جامع آثار انسان از این قاعده مستثنی نیستند. این سیر به کمال (در شهر) چگونه باید باشد؟ چه کسانی در تعریف و هدایت استکمال شهر ایفای نقش می‌کنند؟ تعریف یا الگوی کمال و ویژگی‌های آن برای شهر کدام‌اند؟ یک الگوی خاص، تا چه حد می‌تواند برای شهرهای مختلف به کار گرفته شود؟ با عنایت به این سؤالات، با سعی در زدودن آنچه در مورد توسعه‌ی بافت‌های تاریخی مشهور و رایج است، سعی بر آن خواهد بود، تا ضمن تدوین اصلی‌ترین بارزهای هویتی شهر مشهد مقدس، و با تدوین ویژگی‌های صورت کمالی آن که از متون اصیل اسلامی استنتاج خواهند شد، راهبردهایی را برای توسعه‌ی بافت تاریخی این شهر (که طبیعتاً برای توسعه‌های سایر شهرها نیز می‌توانند مبنا قرار گیرند) معرفی نماید.

واژه‌های کلیدی

مشهد، هویت، بافت تاریخی، کمال‌بخشی، توسعه

* استادیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

مقدمه

«کمالگرایی»، «سؤال صحیح» و «توجه به تمایزات گردشگری و زیارت».

فرایند خلق آثار: اولین مقدمه، توجه جدی به رابطه‌ی آثار انسانی با اندیشه‌ی اوست. به عبارت دیگر، توجه به فرایند خلق آثار انسانی یک ضرورت است. فرایند ظهور هر پدیده‌ی توسط انسان، در سه مرحله‌ی اصلی قابل طرح است: اول، مرحله‌ی «اندیشه و فکر»؛ دوم، مرحله‌ی «عمل» و سوم، مرحله‌ی ایجاد و ظهور «پدیده‌ی مورد نظر» است. در توضیح مختصر این سه مرحله و نقش هر یک در ظهور یک پدیده می‌توان گفت:

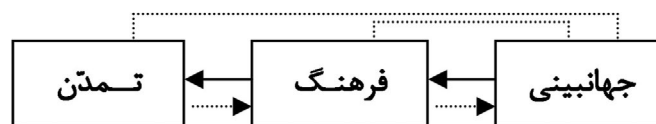
- اولاً اصلی‌ترین ویژگی انسان (به عنوان خالق آثار مختلف) اندیشه و باورهای او است. همه‌ی انسان‌ها در فضایی می‌اندیشند که ویژگی‌های این فضا را اصول و مبانی جهان‌بینی تعریف می‌کنند. به این ترتیب، فضای اندیشه‌ی هر انسانی جهان‌بینی او نامیده می‌شود. - پس از مرحله‌ی اندیشه، مرحله‌ی عمل است، که عمل (یا اعمال) انسان نیز که بر اساس اصول جهان‌بینی او ظهور و بروز پیدا می‌کنند، در فضایی و بر اساس ارزش‌ها و معیارها و رفتارهایی رخ می‌نمایند که آن فضا «فرهنگ» نامیده می‌شود. به بیان دیگر، فضایی که همه‌ی فعالیت‌ها و اعمال انسان‌ها، با اتکا به فضای اندیشه یا جهان‌بینی آنها در آن فضا رخ می‌دهند، «فضای فرهنگی» است. - و بالاخره، پس از اندیشه و عمل، آثاری پدید می‌آیند، که مجموعه‌ی این آثار که به آن جهان‌بینی و فرهنگ منسوب هستند، «تمدن» نامیده می‌شود.

بنابراین، برای سه مرحله‌ی «فکر»، «عمل» و «آثار» که مراحل فرایند خلق یک اثر هستند، سه فضا قابل تشخیص است: فضای اول، فضای اندیشه است که از آن به «جهان‌بینی» تعبیر می‌کنیم؛ فضای دوم، فضای عمل است که آن «فرهنگ» نامیده می‌شود؛ و بالاخره فضای ظهور آثار انسانی قرار دارد که «تمدن» نامیده می‌شود (شکل ۱). قابل ذکر این که بین این سه موضوع، رابطه‌ی معکوسی نیز برقرار است؛ به این معنا که «آثار انسانی» (یا تمدن)، جلوه‌ها و تبعات و تأثیرات «فرهنگی» دارند و مردمان را به بروز رفتارهایی راهنمایی می‌کنند، و تغییر فرهنگ‌ها نیز بر «جهان‌بینی»‌ها (تقویت، تضعیف یا

با عنایت به موضوعاتی که در مقوله‌ی مرمت و نگهداری و نوسازی و بازسازی و مدیریت بافت‌های تاریخی^۱ (و از جمله بافت‌های پیرامون مکان‌های مقدس) مطرح است، و با توجه به جایگاه معنوی این محدوده‌ها از نظر مردمان، به نظر می‌رسد که تهیه‌ی هر طرح و برنامه‌ای برای این بافت‌ها ویژگی‌های خاص خود را طلب می‌کند که مغفول نهادن این ویژگی‌ها بزرگترین آسیب را برای شهر، و به تبع آن برای فرهنگ عمومی جامعه، در پی خواهد داشت. طبیعی است که در صورت حضور عنصر یا عاملی مقدس در هر محدوده‌ای، اهمیت بافت پیرامون آن عنصر و لزوم توجه به تبعات هر اقدامی دوچندان می‌شود. اگر چه ممکن است انتظار از مقاله این باشد که در انتهای آن راهکار و ضوابط اجرایی ارائه شود، اما توجه شود (و فرایند مطالعه و موضوعات مطروحه نیز نشان خواهد داد) که بسیاری از مشکلات و اشکالات و زیان‌ها و روزمرگی‌ها و دوباره‌کاری‌ها، ناشی از فقدان مبانی نظری مدون و لازم‌الرعایه‌ای است که می‌بایستی راهنمای طراحان و برنامه‌ریزان باشد و معیارهای ارزیابی طرح‌ها و برنامه‌ها از آن استخراج شود. به این ترتیب، توجه اصلی مقاله بر اثبات ضرورت وجود این مبانی، و اصول اصلی آن متمرکز بوده است، تا در کنار آن، مباحث خاص مربوط به شهر مشهد مقدس و به ویژه مباحث مرتبط با بافت مرکزی آن تبیین شود.

مبانی پژوهش

برای ورود به موضوع، توجه به مقدماتی ضرورت دارد، که تا این مقدمات مغفول بمانند، باور و آگاهی به این که برای هر شهری و هر موضوعی، طرح و برنامه‌ای خاص باید تهیه شود، نیز به غفلت سپرده خواهد شد. به بیان دیگر، اگر به این موضوعات (که مقدمه به معنای مصطلح آن نبوده و جزیی از مبانی مورد نظر هستند) توجه نشود، طرح‌ها و برنامه‌ها نیز موفق نخواهند بود. اهم این عناوین عبارتند از: «فرایند خلق آثار»، «رابطه‌ی هویت انسانی و آثار او»، «تعاریف بومی و ملی»، «خودآگاهی»، «جهانی شدن»، «میراث فرهنگی»،



شکل ۱. نمودار فرایند عام ظهور یک تمدن از فرهنگ و جهان‌بینی خاص (مأخذ: نقی‌زاده، ۱۳۹۰)

استحاله‌ی آنها) مؤثرند. تذکر مهم دیگر در این زمینه، این است که وجود فضاهای مذکور (فضاهای اندیشه و عمل و ظهور، یا جهان‌بینی و فرهنگ و تمدن یک جامعه)، ممکن است از سایر جهان‌بینی‌ها و فرهنگ‌ها و تمدن‌ها متأثر بوده، و اصالت آنها تضعیف شود. مثلاً: «مادی‌گرایی گاهی اعتقادی است و گاهی اخلاقی. مادیت اخلاقی یعنی این که شخص، هر چند از نظر اعتقاد معتقد به ماوراء طبیعت است و لیکن از نظر اخلاق و عمل مادی است» (مطهری، ۱۳۵۷، ۲۲۷-۲۲۶).

رابطه‌ی هویت انسانی و آثار او: دومین موضوع، توجه به رابطه‌ی هویت جامعه با هویت آثار آن جامعه است. گذشته از همه‌ی موضوعات مرتبط با هویت که هر کدام بحث‌های مستقل و مستوفایی را طلب می‌کنند و در مواضعی دیگر به آنها اشاره شده است (تقی‌زاده، ۱۳۹۳؛ طغیانی و تقی‌زاده، ۱۳۹۰؛ تقی‌زاده و درودیان، ۱۳۸۷)، توجه به این نکات جلب می‌شود که اولاً مباحث اصلی مرتبط با هویت آثار انسانی، تجلی عوامل هویتی انسان در آثار او هستند، و ثانیاً، موضوع تاریخ و قدمت آثار از اهمیت برخوردار هستند؛ که این هم دقیقاً با انسان و تاریخ او مرتبط است. هویت، در بردارنده‌ی تاریخ فضا است؛ به خاطره‌ها متذکر است؛ معنای معنوی خاص خود را به ناظر القا می‌کند؛ هندسه و شکل و سیمای خود را به نمایش می‌گذارد؛ فعالیت‌های غالب خود را در معرض عام قرار می‌دهد؛ ارزش‌های فرهنگی مردم را جلوه‌گر می‌کند، در تداوم گذشته بوده و دچار گسست فرهنگی و تاریخی نیست، به عنوان عامل افتخار جامعه ایفای نقش می‌کند، زیبایی‌اش با معیارهای زیبایی‌شناسانه‌ی جامعه هماهنگ است؛ و در بر دارنده‌ی خاطره‌های جمعی جامعه است (تقی‌زاده، ب ۱۳۹۲).

در بحث «هویت یک اثر»، علاوه بر رابطه‌ی این هویت با هویت جامعه و مردم، که اصلی‌ترین عامل تعیین‌کننده است، می‌توان از رابطه‌ی آن اثر با هویت سایر آثار و به عبارتی از رابطه‌ی بسیار مهم «هویت یک اثر» با «هویت زمینه‌ی آن اثر» نیز یاد کرد؛ مثل این که رابطه‌ی هویت یک ساختمان با هویت بافتی که در آن قرار دارد بررسی می‌شود. مثلاً یک بافت تاریخی با ارزش یا یک بافت مدرن و یا یک بافت فاقد ارزش تاریخی و هنری یاد کرد، که هویت این بافت‌ها، بر هویت ساختمان مورد نظر نیز تأثیر خواهند داشت. بنابراین، در مطالعه و تبیین هویت یک اثر، سه گروه عوامل هویتی باید مد نظر قرار گیرند، گروه اول عوامل هویتی ظاهری و معنایی اثر، مستقل از جامعه و زمینه است؛ گروه دوم شامل آن دسته عوامل هویتی انسان (پدیدآورنده‌ی اثر و جامعه) است که آن اثر را پدید آورده‌اند و از آن استفاده می‌کنند و آن را از خویش می‌دانند؛ و بالاخره گروه سوم، عوامل هویتی زمینه‌ای است که آن اثر در آن زمینه قرار دارد.

تعاریف بومی و ملی: سومین موضوع، توجه به در دست بودن تعریف بومی و ملی برای بسیاری از واژه‌ها و مفاهیم و تعابیری است که در هر رشته (و در اینجا، در زمینه‌ی شهر و موضوعات مرتبط با آن) کاربرد و مصداق دارند. برای ورود به هر بحثی، نکته‌ی ظریفی در استفاده از تعابیر و نام عملکردها وجود دارد که توجه به آن، به عنوان یک ضرورت، در طرح‌ها و برنامه‌های شهری توصیه می‌شود. آن نکته‌ی معنای متفاوت یک «نام» یا «صفت» در دو تفکر متفاوت است. برای نمونه «مسجد» یک «عنصر و فضای دینی» است، «کلیسا» هم یک «عنصر و فضای دینی» است، اما به جهت تمایزات ادیان، تفاوت‌های آیین‌های آنها، نمادها و رموز مختلف آنها، تمایز در دوره و تواتر استفاده از آنها، اختلاف در عملکردهای وابسته به آنها و بالاخره گوناگونی در نوع رابطه‌ی مؤمنین با آنها، شخصیت و هویت و عملکرد و کارآیی و سیمای متفاوتی از آنها را به ذهن متبادر می‌نماید و همه‌ی این اختلافات سبب ظهور دو گونه فضای متفاوت به عنوان «فضای دینی» در دو دین متفاوت می‌شود، و به این ترتیب است که نمی‌توان روش واحدی را برای برنامه‌ریزی و طراحی آنها با این استدلال که هر دو «فضای دینی» هستند به کار گرفت. همین‌طور است در مورد واژه‌هایی چون «امر قدسی»، «زیبایی»، «هنر»، «آیین»، «هویت»، «دینی» و امثالهم که در مواضع دیگری به تفصیل در مورد آنها صحبت شده است (تقی‌زاده، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹).

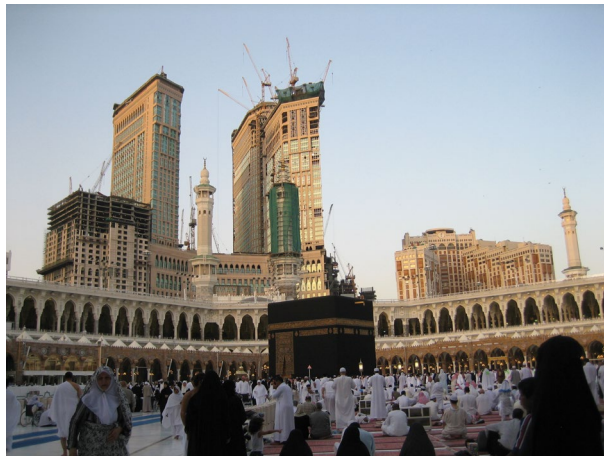
خودآگاهی: خودآگاهی و اعتماد به نفس (و نه خود بزرگ‌بینی و نخوت) و خوداتکایی، از موضوعات بنیادینی هستند که در مقابل از خود بیگانگی و احساس حقارت و تقلید قرار دارند؛ و به موازات بازگشت به خویش عامل رشد و احراز هویت می‌گردند. در واقع، به جای آنکه دیگران با تجارباشان (که شاید برای خودشان مفید باشد) برای دیگران تعیین تکلیف کنند؛ و از آنان تقلید شود، باید خود فرد، تنظیم‌کننده و تبیین‌کننده‌ی مبانی نظری طرح‌ها و برنامه‌های خود باشد.

جهانی شدن: اگر چه عده‌ای «جهانی شدن» و به عبارت بهتر «جهانی‌سازی» و به تعبیر روشن‌تر غربی شدن را نتیجه‌ی محتوم دنیای امروز تلقی می‌کنند، اما در این حوزه، تعابیری همچون «جهانی بودن»، «جهانی شدن»، «جهان‌شمولی» و «جهانی‌سازی» (در کنار مباحثی چون فطرت و غریزه و طبیعت انسان‌ها) مطرح هستند، که هر کدام از آنها ویژگی‌های خاص خود را دارند (گلشنی و غلامی، ۱۳۸۷؛ تقی‌زاده، ۱۳۸۵). توجه شود که اولاً همه‌ی زمینه‌هایی که در فضای جهانی شدن (یا جهانی‌سازی) از قبیل سیاست و اقتصاد و ارتباطات مطرح هستند، با عنایت به آنچه که در مقدمه‌ی بخش فرایند خلق آثار گذشت، همگی زمینه‌ساز تأثیرات «فرهنگی» هستند، که این تأثیرات

یونسکو، قریب به اتفاق دست‌اندرکاران و نویسندگان به کوتاه شدن ساختمان رأی می‌دهند. اما در مورد کعبه‌ی شریف یا مشهد مقدس، علی‌رغم شدت وضعیت، اعتراضی نمی‌شود (شکل‌های ۱، ۲ و ۳). نکته‌ی قابل تأمل این که فقط کالدها میراث نیستند؛ آیین‌ها نیز میراث‌اند، که اگر بخواهند حفظ شوند و تداوم یابند به فضای مناسب خود نیازمندند. علاوه بر آیین‌ها و مراسم و باورها که به عنوان میراث فرهنگی واجد اهمیت در خور توجهی هستند، تأثیر این آیین‌ها و مراسم و باورها در شکل‌گیری کالبد و فضا، عنایتی شایان توجه را طلب می‌کند. در واقع، سخن در ارتباط متقابل رفتار و فضاست، که اگر فضا مناسب نباشد، اگر چه رفتارها و آیین‌ها و مراسم همچنان برپا خواهند شد، اما به دلیل عدم تناسب با فضا، هم مردم دچار مشکل خواهند شد، و هم این که به مرور آیین و مراسم دگرگون و استحاله

نیز عامل اصلی تغییر (یا همسانی) شیوه‌ی زیست و مصرف کالاهای همسان (عموماً غربی) می‌باشند.

میراث فرهنگی: توجه شود که میراث فرهنگی علاوه بر همه‌ی ویژگی‌هایی که برایش ذکر می‌شود، یک سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی است. میراث فرهنگی سرمایه‌ی اولیه برای توسعه و پیشرفت فرهنگ و زمینه‌های وابسته به آن است. و این همان چیزی است که در دوران جهانی‌سازی جوامعی که می‌خواهند هویت خود را حفظ کنند سخت به آن محتاج هستند. این زمینه، به شدت متأثر از بیگانگان است و معیاری وجود ندارد. مثلاً مقایسه کنید، آنچه را که در اصفهان بر میدان نقش جهان رفته است، با اوضاع مکه‌ی مکرمه و مشهد مقدس را. در مورد میدان نقش جهان، علی‌رغم فاصله‌ی نسبتاً زیاد و حتی عدم سیطره‌ی ساختمان جهان‌نما بر میدان، با توجه به اعتراض



شکل ۱. مکه‌ی مکرمه (ساختمان‌های «بی‌ادبی» که یونسکو به آن اعتراض نمی‌کند)



شکل ۲. نمونه‌ای از احداث ساختمان‌های بلند مشرف به حرم رضوی



شکل ۳. نمونه‌ای از احداث ساختمان‌های بلند مشرف به حرم رضوی (ع)



شکل ۴. فضای مناسب تکیه (یا حسینیه) برای برپایی آیین‌ها و حضور در همه‌ی سال



شکل ۵. فضای نامناسب تکیه (فقدان فضای مناسب در محله، مردم را به برپایی حداقل‌ها سوق می‌دهد)

می‌شوند (شکل‌های ۴ و ۵).

کمال‌گرایی: اگر چه امروزه، نظریه‌ی توسعه‌ی پایدار، علی‌رغم آنکه آگاهی و احاطه‌ی کاملی بر مباحث و معیارهای آن وجود ندارد، بر بسیاری از طرح‌ها و برنامه‌ها و اظهارنظرها (حتی به صورت صوری و مُد) سایه انداخته است (که البته در حد خود امر مبارکی است)، اما توجه به این نکته ضرورت دارد که در جهان‌بینی توحیدی اسلام و در فرهنگ پرسابقه‌ی ایرانی، باور و رویه و رفتارهایی بسیار پیشرفته‌تر از توسعه‌ی پایدار (که به حفظ منابع برای آیندگان می‌اندیشد) وجود داشته است؛ و آن، توجه به کمال‌گرایی و فراتر از آن، گرایش به تجرد در استفاده از منابع است.

سؤال صحیح: با عنایت به این که اصلی‌ترین زمینه و هادی و بستر تولید هر علمی، سؤال است، که سؤالات نیز با توجه به نحوه‌ی نگرش و شیوه‌ی زیست‌محقق و جامعه‌اش تنظیم می‌شوند، ملحوظ داشتن مبانی فکری و فرهنگی و وضعیت آرمانی و مطلوب شهر و فضای مورد نظر، احتمال انتخاب و تنظیم بهترین و مناسب‌ترین سؤالات را تقویت خواهد کرد. بنابراین، دقت در این که فضای حاصل از نوسازی چه ویژگی‌هایی را باید دارا باشد، و یا، شناخت ویژگی‌هایی که می‌توانند پاسخگوی زائران و مجاورین باشند، می‌تواند طراح و برنامه‌ریز را در انتخاب سؤال مناسب کمک کند. توجه شود که تک‌بعدی‌نگری، مثلاً درآمدزایی یا توجیه اقتصادی یا تکرار سؤالات دیگران در زمینه‌ی بافت‌های تاریخی، کهن یا فرسوده، نخواهند توانست، طرح و برنامه (یا علم) مناسبی را تولید کنند.

گردشگری و زیارت: گردشگری که امروزه در جهان به عنوان یک صنعت و منبع درآمد برای جامعه و شهر مطرح است، یکی از اصلی‌ترین امکانات بالقوه (و حتی بالفعل) شهرنشینی معاصر و زمینه‌ی توسعه و اقتصاد است. طبیعی است که این موضوع نیز همچون سایر مباحث، هم متأثر از فرهنگ جوامع (اعم از گردشگر و مقصد گردشگر) است، و هم این که تبعات فرهنگی خاص خود را دارد. تأثیرات یا تحولات یا مبادلات فرهنگی در چند زمینه قابل طرح است. اول شناخت و تنظیم و تدوین ارزش‌های فرهنگی که جامعه میل به گسترش و ترویج و تقویت آنها دارد. دوم، شناخت ارزش‌های فرهنگی گردشگران و سعی در پاسخگویی به آن دسته از ارزش‌هایی که با شرایط فرهنگی جامعه‌ی مقصد گردشگری در تضاد نباشند. القا و تقویت ارزش‌های فرهنگی خاص و آموزش آنها به گردشگران که احتمالاً با آنها آشنایی ندارند. در نتیجه، در مقیاس یک شهر، از تبعات گردشگری می‌توان به توسعه و ترویج فرهنگ اشاره کرد که هر شهری، یا تأثیرپذیر است، یا تأثیرگذار و یا هر دو. اگر چه، برنامه‌ها و مطالعات جاری، عموماً زائران را نیز در زمره‌ی گردشگران منظور می‌کنند، اما این هم‌گزینی، به

دلایلی مقرون به صواب نمی‌باشد.

- اول این که «زائر» و «گردشگر»، فقط از نظر سفر و حرکت هم‌سان هستند، ولی از نظر نیت و روحیه و رفتار و نتیجه‌ی موردانتظار از سفر، کاملاً متفاوت هستند. اگر چه حتی گردشگران نیز به گروه‌هایی تقسیم می‌شوند، که یکی از اصلی‌ترین آنها گردشگران فرهنگی هستند؛ که عموماً برای بازدید اماکن فرهنگی و تاریخی و هنری و آیین‌ها و مراسم و بهره‌گیری از منابع و مجامع علمی به سفر می‌پردازند، اما زائران، طیف دیگری، حتی سوی گردشگران فرهنگی هستند. برای زائران، موضوع ارتباط معنوی با متافیزیک، و نه حضور و مشاهده‌ی صرف مطرح است. زیارت، حتماً آداب خاص خود را دارد که مبانی و ارکان و اصول آن نباید متروک شوند؛ و حتماً اثرات خود را بر طراحی و برنامه‌ریزی چنین شهرها و فضاهایی بر جای خواهند نهاد، که متعاقباً به آنها اشاره خواهد شد.

- دوم این که، توجه شود، واژه‌ی زائر در میان مسلمانان با آنچه که به عنوان زائر در سایر جوامع مطرح هستند، متفاوت است. مثلاً در بسیاری ادیان (و از جمله در تایلند و هند و چین و کامبوج و واتیکان)، معابد و زیارتگاه‌ها، علاوه بر مقصد زائران، به عنوان مقصد گردشگران ایفای نقش می‌کنند؛ و این در حالی است که زیارتگاه‌های مسلمانان و ایران، عموماً به عنوان مقصد کسانی که فقط قصد گردشگری و جهانگردی دارند، ظاهر نمی‌شوند. بسیاری از ادیان، مردمان را به هر هیئتی و با هر باوری به راحتی درون معابد خویش می‌پذیرند و حتی امروزه، این پذیرش به عنوان پذیرش گردشگر، و برای کسب درآمد، و (احتمالاً) معرفی و تبلیغ باورها و رسوم خویش انجام می‌شوند، که نمونه‌ی بارز آن کلیساها، معابد بودائی‌ان، هندوها و حتی سیک‌ها است (شکل‌های ۶ و ۷). این در حالی است که اگر چه مسلمانان در برخی مساجد و اماکن تاریخی خویش پذیرای پیروان سایر ادیان (به عنوان گردشگر) هستند، اما نه تنها در معابد و زیارتگاه‌های اصلی و مقدس خویش پذیرای دیگران نیستند که حتی مسلمانان نیز برای حضور در اماکن مذهبی خویش، ملزم به رعایت آدابی هستند، تا خدش‌های به قداست و حرمت آن مکان‌های مقدس وارد نشود (شکل‌های ۸، ۹ و ۱۰). همین موضوعات، باید در برنامه‌ریزی‌ها و طراحی‌ها رعایت شوند.

اجمالی از سابقه و وضع موجود

سرعت تغییرات فن‌آوری و افزایش ارتباطات جوامع، سبب شده است تا بسیاری از موضوعات و از جمله شهرها، نه تنها مشمول تغییر، که فراتر از آن، نیازمند دگرگونی مداوم شوند و در روند این تغییر نیز یکی از اصلی‌ترین ملاک‌ها، برنامه‌ها و الگوهای است که از سوی



شکل ۶. معبد سیک‌ها (هند)



شکل ۷. معبدی بودایی (تایلند)



شکل ۸. مسجد دهلی (پذیرای گردشگران با شرایط خاص لباس از نظر پوشیدگی و برهنگی پاها)



شکل ۹. رعایت آداب ورود به معبد سیکها با پاهای برهنه و سر پوشیده



شکل ۱۰. رعایت آداب ورود به معبد بودایی با پاهای برهنه

هستند)، و البته در جوامع و تمدن‌های مختلف تمایزاتی بنیادین با یکدیگر دارند، نیز در آنها دخیل می‌شوند، دقت و توجهی دوچندان را طلب می‌کند. دقت و توجهی که تکرار و تقلید از الگوهای بیگانه را منتفی کرده، و مضاف بر آن، حضور عنصری مقدس در یک بافت شهری، آن بافت را از بافت‌های مشابه کاملاً متمایز می‌کند و لزوم تهیهی طرح و برنامه‌ای ویژه برای آن را حتمی می‌نماید. به این ترتیب، گام اول، شناخت مبانی شکل‌دهندهی وضع موجود هستند. به بیان دیگر، علی‌رغم اهمیت و جایگاه شناخت ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی و اقتصادی وضع موجود، شناخت اصول

جوامع توسعه‌یافته‌ی غربی تهیه و به مورد اجرا گذاشته شده‌اند. در عین‌همه‌ی این موضوعات، این موضوع نیاز به اثبات ندارد، و حتی مشاهدات و تجارب روزمره نیز آن را تأیید می‌کنند که در امور مختلف شهرسازی، نه‌تنها تکرار الگوهای بیگانه که حتی تکرار یک الگو و برنامه برای شهرهای یک تمدن و جامعه با بسیاری از ویژگی‌های مشابه، مقرون به صواب نیست و هر شهری برنامه و طرح خاص خود را طلب می‌کند. این موضوع، وقتی که موارد خاصی، همچون بافت‌های پیرامون عناصر یگانه و منحصر به فرد و غیرقابل تکرار (از قبیل زیارتگاه‌های اصلی ادیان که در دنیا نیز معدود و انگشت‌شمار

شکل‌دهنده‌ی موضوع مورد نظر و همین‌طور شناخت جایگاه موضوع در ذهن مردم و همچنین شناخت نیازهای اصیل (و نه جعلی و کاذب) زائران، اصلی‌ترین مباحث شناخت هستند. پس از تحصیل شناخت نسبی وضع موجود و آگاهی به علل لزوم توجه خاص به این گونه شهرها و بافت‌ها، بررسی ویژگی‌های کلی وضعیت جاری و ارزیابی آن با معیارهای منبعث از مرحله‌ی شناخت که به عنوان شکل‌دهنده‌ی شهر و بافت مورد نظر ایفای نقش نموده‌اند، گام بعدی خواهد بود.

مروری اجمالی بر طرح‌ها و برنامه‌هایی که برای بافت‌های مرکزی شهرها و پیرامون زیارتگاه‌ها تهیه شده و در معرض عموم دید قرار گرفته و در دسترس می‌باشند، حکایت از وجود کم و بیش برخی مشکلات دارد. بی‌توجهی به بافت و فضا و ساکنین پیرامون اماکن مقدس اولین و اصلی‌ترین اشکال است. این سخن به معنای آن نیست که برخی ضوابط و معیارهای فنی یا کمی از قبیل تراکم و سرانه و تعیین کاربری‌ها و سطوح اشغال و ارتفاعات و امثالهم مد نظر قرار نداشته‌اند، بلکه مقصود اصلی این است که تداوم و حضور معنوی عنصر مقدس محسوس نیست و اگر حضور آن حس می‌شود، تنها به دلیل برخی عملکردهای خاص یا حضور مراجعین ویژه است. در حالی که این‌گونه بافت‌ها و فضاها نیازمند رعایت ادب، تواضع، حیا، معنویت، هماهنگی توجه به معنویت و اصول و ارزش‌هایی از این قبیل هستند (تقی‌زاده، ۱۳۹۰)، به گونه‌ای که سیطره‌ی آن عنصر مقدس و غلبه‌ی معنوی و مادی آن بر کالبد و فضای پیرامون کاملاً ملموس باشد.

در بسیاری از موارد، نه تنها این احساس به انسان القا نمی‌شود که سیطره‌ی مادیت و مصرف و تهییج مشتهیات با شدتی بیشتر از سایر نقاط شهر احساس می‌شود. اشکال دیگر آن است که غالباً از الگوها و روش‌های غیربومی (همانند سایر شهرهای کشور، یا تجارب و آراء سایر جوامع) استفاده می‌شود. به بیان دیگر، عموماً نگرش به این اماکن و پیرامون آنها نیز با همان نگاهی انجام شود که سایر مناطق شهری و از جمله بافت‌های تاریخی و فرسوده را بررسی می‌کند و برای آنها طرح و برنامه تهیه می‌نماید. حتی گاهی با عنوان مهم جلوه دادن موضوع حضور عنصر مقدس، همان نوع نگرش (مثلاً دسترسی اتومبیل یا ایجاد فضای وسیع و بی‌تناسب یا پیش‌بینی کاربری‌های نامتناسب) با شدت بیشتری دنبال می‌شود. این شیوه، به مرور فرهنگ عمومی جامعه را نیز نسبت به این عناصر و پیرامون آنها دچار تحول و دگرگونی نموده و جامعیت و معنویت آنها را خدشه‌دار می‌نماید.

توسعه‌ها و دست‌کاری‌ها، عموماً ناشی از نیازها و تحولات درونی نیستند، بلکه به دلیل نیازهایی است که اقتصاد و شیوه‌ی زیست جهانی به جوامع دیکته می‌کنند. به نظر می‌رسد که ارجح بر همه‌ی

مقولاتی که به عنوان مقتضیات دوران مطرح‌اند، توجه به موضوعات عیدیه‌ای ضرورت دارد که اهم آنها عبارتند از: توجه به جایگاه عنصر مقدس و اهتمام در حفظ و تقویت جایگاه آن در شهر، توجه به آموزش و هدایت زائران و به عبارت بهتر بهره‌گیری معنوی از حضور عنصر مقدس، توجه به نیازهای اصیل و منطقی و معقول زائران و مجاوران، آموزش و القای جدی تمایز بافت و شهر (به دلیل حضور عنصر مقدس) با سایر بافت‌ها و شهرها به همه‌ی مردم و زائران و دست‌اندرکاران، و همه‌ی مواردی که در مباحث آتی به آنها اشاره خواهد شد. علاوه بر اینها، عدم تمرکز بر نگرش سوداگرانه‌ای که امروزه بر بسیاری طرح‌های شهری سایه افکنده است، زمینه‌ساز اصلاح روند جاری و حرکت به سمت اتخاذ روش‌های مطلوب خواهد بود.

آسیب‌شناسی موضوع

با عنایت به آنچه ذکر شد و وضوح جزئیات آنها مطالعات گسترده‌ای را طلب می‌کند، برخی از موضوعات و زمینه‌هایی مطرح هستند که به عنوان اصلی‌ترین آسیب‌هایی که طرح‌ها و برنامه‌های تهیه‌شده برای عناصر مقدس و بافت‌های پیرامون آنها به آنها مبتلا می‌باشند؛ که اهم آنها عبارتند از:

- **فقدان مبانی نظری مدون:** مراد از مبانی نظری، مبانی فکری و فلسفی و فرهنگی خاصی است که برای تماس با اماکن مقدس و دخالت در بافت‌های پیرامونی آن در شهرهای ایرانی ضرورت تام دارد. این کمبود، دست‌اندرکاران را به سمت استفاده از آراء سلیقه‌ای و تبعیت از نظرات غیرکارشناسانه‌ی مدیران و در نهایت استفاده از مبانی فکری بیگانه سوق می‌دهد، که تبعات نامطلوب این تبعیت سال‌هاست که خویش را نمایانده است.

- **تقلید از الگوهای بیگانه:** به جهت فقدان مبانی نظری مدون اسلامی و بومی، طبیعتاً معیارهای متقنی برای ارزیابی الگوهای بیگانه‌ای که برای دخالت در بافت‌های پیرامون اماکن مقدس و احراز هویت و نقش مطلوب این اماکن در شهر به کار گرفته می‌شوند، وجود نخواهد شد. نتیجه‌ی به کارگیری الگوهای بیگانه نیز استحاله‌ی اماکن مقدس و بافت‌های پیرامونی آنها (و اصولاً شهر) شده و از مطلوبیت آنها کاسته می‌شود و هویت آنها را تضعیف خواهد کرد. مروری اجمالی بر قریب به اتفاق گزارش‌های طرح‌ها و برنامه‌های مختلفی که برای این شهرها تهیه می‌شود به وضوح بیانگر بی‌توجهی به مباحث فلسفی و جهان‌بینی اسلامی است که نمونه‌ی بارز آن را در معادل گرفتن زیارت و گردشگری (و حتی رجحان گردشگری و اصل قرار دادن آن)، در تمرکز بر بازدهی اقتصادی، در زیباسازی‌ها و آثار هنری رایج، در ادبیات و اصطلاحات رایج و امثال اینها می‌توان

مشاهده کرد.

- **ضعف توجه به معنویت:** یکی از آسیب‌های مهم دنیای مدرن، کمیت‌گرایی آن است که این موضوع به طرح‌ها و برنامه‌هایی که برای اماکن مقدس و بافت‌های پیرامونی آنها تهیه می‌شوند نیز سرایت کرده و در بسیاری از موارد وجوه نازل این کمیت‌گرایی که همان سوداگری و درآمدزایی باشد، بر برنامه‌ها و طرح‌ها حاکم هستند. در کنار این گرایش، بسیاری از موضوعات معنوی مهجور می‌مانند.

- **گرایش به سمت مادیت:** اگر چه توجه به معنویت در بسیاری از موارد به ویژه در مورد اماکن مقدس، علی‌الظاهر، مد نظر قرار دارد، اما اولاً این توجه عموماً ضعیف بوده و در وجه ظاهری موضوع مورد توجه است و در ثانی مادیگرایی حاکم بر کلیت شهر، این توجه را تضعیف می‌کند که نمونه‌های بارز آن را در شهرهای مقدسی چون مشهد مقدس می‌توان مشاهده کرد.

انواع نگرش به بافت‌های تاریخی

از ضرورت‌هایی که امروزه برای تعیین جایگاه طرح‌های مرمت شهری مطرح می‌شود، ضرورت هماهنگی و همراهی آنها با برنامه‌های توسعه‌ی شهری است؛ که علی‌الظاهر در کشورهای صنعتی از نیمه‌ی دوم قرن بیستم میلادی آغاز شده است (جدول ۱).

شاید فراتر از این ضرورت، همراهی طرح‌های مرمت شهری (و البته برنامه‌ریزی و طراحی و توسعه‌ی شهری) با مباحث فرهنگی و اجتماعی، ضرورت و نیازی باشد که بی‌توجهی به آن بحران هویت و اغتشاش و ناپایداری موجود را تشدید خواهد کرد. به بیان دیگر، اگر احراز و تقویت هویت شهرها مد نظر است (که علی‌الظاهر هست) راهی جز توجه به ارزش‌های فرهنگ ملی، و تهیه‌ی طرح‌ها و برنامه‌ها بر پایه‌ی آنها وجود ندارد. در واقع، در تکرار و تقلیدی که از شیوه‌های ابداعی و رایج مغرب‌زمین صورت می‌گیرد، نشانی از تفکر بومی مشاهده نمی‌شود. ایده‌ها و تجارب غربی‌ها ترجمه و آموزش داده می‌شوند و در تهیه‌ی طرح‌ها و برنامه‌ها نیز ملاک عمل و مینا قرار می‌گیرند. مروری اجمالی بر ادبیات در دسترس، که البته عموماً نیز غربی‌اند، حاکی از تنوع نگرش به بافت‌های تاریخی تحت عناوین حفاظت، مرمت، نوسازی، بازسازی، استحکام‌بخشی، سامان‌بخشی، نگهداری، بازیافت و امثالهم است (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۱). در اینجا بدون دخول در این مباحث که طبیعتاً بهره‌گیری از هر یک از آنها تمهیدات خاص خود را طلب می‌کند، به این نکات توجه شود که اینها همه تکنیک هستند که باید بر راهبردها و سیاست‌هایی استوار باشند، که ضرورتاً باید بر پایه‌ی تفکر و فرهنگ بومی استوار باشند و هدایت شوند. اما اهم این سیاست‌ها عبارتند از:

- اتخاذ هر سیاستی باید به حفظ حرمت و رجحان عناصر مقدس و مذهبی بینجامد.

- نیازهای حقیقی و اصلی زائران و مجاوران و به ویژه نیازهای معنوی و روحانی آنان (و نه فقط نیازهای مادی و فیزیولوژیک آنها) باید به طور جدی مد نظر قرار گیرند.

- تناسب مکان‌ها و فضاها با آیین‌ها و مراسم مذهبی باید ارتقاء یابد.

- در هر طرح و برنامه‌های، به وحدت و تداوم تاریخی و اصالت و بوم‌گرایی توجهی جدی مبذول گردد.

اهداف اصلی و موضوعات مربوطه

طبیعی است که اصلی‌ترین هدف ظاهری و کاربردی هر گونه اقدام در بافت‌های تاریخی، همانند هر طرح و برنامه‌ای، فراهم آوردن مطلوب‌ترین فضا و محیط و امکانات برای انجام فعالیت‌هایی است که در آن محدوده‌ی خاص باید انجام شوند. اما در شهرهای همچون مشهد نباید از عامل تقدس شهر به عنوان علت واقعی و وجودی شهر که با معارف و معنویت جامعه سروکار دارد و ارتباط مردم را با متافیزیک برقرار می‌کند غافل شد؛ و این موضوعی است که نه تنها در تدوین مبانی نظری طرح‌ها و برنامه‌ها باید ملاک عمل قرار گیرد که بایستی به عنوان باور مجریان و مدیران شهر نیز مطرح باشد.

با عنایت به ویژگی خاص مشهد مقدس، به نظر می‌رسد که مجموعه‌ای از خدمات و عملکردهایی ضرورت دارند که بتوانند فضای زیست و فعالیت مطلوب برای اسکان و حرکت و فعالیت‌های عمومی مجاورین و زائران را به گونه‌ای فراهم آورند که در مجموع ملبس به معنویت، آگاهی، تذکر و حضور قلب بوده و از غفلت‌زایی و سرگرم‌کنندگی بری باشند. نکته‌ی مهم تأکید بیشتر بر مباحث و موضوعات کیفی و معنوی در محدوده‌ی مورد نظر است. برای نمونه، در مقوله‌ی زیبایی، در عین توجه تام و کامل به خلق زیبایی بصری و شنوایی، باید خلق زیبایی معنوی و روحانی نیز به جد مورد توجه باشد، یا در عین توجه به مباحث آگاهی و اطلاع‌رسانی و هدایت‌های عمومی، بایستی از هر گونه اقدام و عمل و فضای غفلت‌زا احتراز شده و بالعکس تذکرده‌ی فضا و عناصر (البته نه به صورت یکنواخت و کسالت‌آور) محدوده را سرشار نماید.

موضوع بعدی که توجهی در خور طلب نموده، و به عنوان هدفی بلند مطرح است، هویت‌بخشی به بافت، و به بیان بهتر، تجلی کالبدی و عینی همه‌ی ارزش‌های معنوی مستتر در شهر و عامل شکل‌دهنده‌ی آن است (نقی‌زاده، ۱۳۹۳).

آینده‌نگری و آرمان‌خواهی نیز هدف والایی است که در صورت سیطره‌ی سوداگری و مباحث مادی بر طرح و برنامه‌های مربوطه،

جدول ۱. تجربیات مرمت شهری در کشورهای صنعتی (مأخذ: بنیادی، ۱۳۸۸)

زمان	دوره	توسعه شهری حفاظت‌گرا	توسعه کمیت‌گرای شهری	دوره	تجارب و مصادیق
زمناس	مرمت علمی	مراقبت آئینی و احیای سبکی Traditional Preservation & Stylistic Restoration	بازسازی شالوده‌ای Restructuring	مرکاتالیسم	
قرن ۱۹ تا اوائل ۲۰	مرمت علمی	مراقبت و احیای علمی Preservation, Scientific Restoration ویوله لودوک، جان راسکین، ویلیام موریس لوکا بلترامی SPAB, NATIONAL TRUST	توسعه شهری Urban Development بارون هوسمان باومیستر اوژن هنارد	اقتصاد صنعتی	
اوائل قرن ۲۰ تا دهه ۴۰	دوران استفاده از مرمت شهری جهت پاسخگویی به مشکلات شهری	Modern Conservation حفاظت نوین کامیلیو بوئی تو جیو واتونی، ریگل	Modern Development توسعه شهری مدرن له کوربوزیه منشور آتن ۱۹۳۳	بحران جنگ جهانی	
از ۱۹۴۵ تا اواخر دهه ۶۰	دوران استفاده از مرمت شهری جهت پاسخگویی به مشکلات شهری	باززنده سازی شهری Urban Revitalization بازسازی ورشو مرمت شهری یورک، باث، چستر، چی چستر کنگره گوپینو ۱۹۶۰، کنگره ونیز، ۱۹۶۴	رشد حومه در شهرنشینی مدرن Urban Redevelopment & Reconstruction بازسازی مناطق تاریخی بر اساس طرح های جامع	رونق پس از جنگ	
اواخر دهه ۶۰ و ۷۰	دوران استفاده از مرمت شهری جهت پاسخگویی به مشکلات شهری	جهانی شدن میراث فرهنگی مرمت شهری اورپینو، بولونیا، فرارا و ... شکل گیری نهادهای بین المللی ... ICOMOS, گردهمایی پاریس ۱۹۷۲، کنگره آمستردام ۱۹۷۵ حراست شهری Urban Safeguarding	آغاز نقد بر معماری و شهرسازی مدرن Urban Renewal نوسازی شهری	بحران انرژی	
دهه ۱۹۸۰	دوران استفاده از مرمت شهری جهت پاسخگویی به مشکلات شهری	گردهمایی واشنگتن، ۱۹۸۷ مرمت شهری در مقیاس محلات در شهرهای اروپا	دولت رفاه Property led Regeneration بازآفرینی مالکیت محور شهری	اغاز جهانی شدن	
دهه ۱۹۹۰	دوران استفاده از مرمت شهری جهت پاسخگویی به مشکلات شهری	Cultural led & Community led Regeneration بازآفرینی حفاظت محور و بر محور اجتماعات محلی	Design led Regeneration بازآفرینی طراحی محور	رونق اقتصاد جهانی	
اوائل دهه ۲۰۰۰	دوران استفاده از مرمت شهری جهت پاسخگویی به مشکلات شهری	حفاظت یکپارچه Integrated Conservation تداوم سنتی Traditional Continuity اقدامات رنزو پیانو در ایتالیا توسعه پایدار Sustainable Development نوزائی شهری Urban Renaissance اقدامات ریچارد راجرز در انگلستان	بحران جهانی اقتصاد		

بی‌گمان قربانی خواهند شد. توجه شود که برخی از موضوعات، در بسیاری از موارد به دشواری و صعوبت با یکدیگر جمع می‌شوند؛ که به ذکر کلامی از مولی‌الموحدين (ع) بسنده می‌شود: «دنیا و آخرت دو دشمن متفاوت و دو راه جدای از یکدیگرند. پس کسی که دنیاپرست باشد و به آن عشق ورزد؛ به آخرت کینه ورزد و با آن دشمنی خواهد کرد. و آن دو همانند شرق و غرب از هم دورند، و رونده به سوی آن دو، هر گاه به یکی نزدیک شود، از دیگری دور می‌گردد؛ و آن دو همواره به یکدیگر زیان رسانند» (نهج‌البلاغه، ح ۱۰۳، ص ۴۶۱).

اما اهم موضوعات (یا موضوعات اصلی) که به هنگام تهیه‌ی طرح و برنامه برای بافت‌های خاص و از جمله برای بافت مرکزی شهر مقدس مشهد و در جهت تحصیل اهداف مورد نظر و رفع تنگناهای موجود و سیر به سمت کمال باید ملاک عمل و مد نظر قرار گیرند، و در واقع، توجه به آنها ضروری است را در موارد زیر می‌توان خلاصه کرد:

جایگاه عنصر مقدس: اصلی‌ترین عاملی که باید در طبقه‌بندی و شناخت اماکن و عناصر مقدس مورد توجه قرار گیرد، مبانی فکری دینی است که آن عنصر و مکانش را تقدس بخشیده است. این توجه، برنامه‌ریز و طراح را به شناخت‌های دیگری رهنمون می‌کند که اهم این موضوعات عبارتند از:

- جایگاه عنصر مقدس در شهر و محیط پیرامونی، و نسبت و ارتباطی که با سایر اجزاء و عناصر و فضاهای شهر دارد یا باید داشته باشد.

- جایگاه عنصر مقدس در زندگی اهل شهر یا مراجعین به شهر (برای زیارت آن مکان). این توجه منجر به شناخت امکانات لازم برای زائران محلی و غیربومی و مجاورین می‌شود.

- شناخت آیین‌هایی که در میان شیعیان و به‌ویژه در ایام خاص و بالاخص در مشهد مقدس بر پا می‌شود، و همچنین شناخت فضاهای مربوط به این آیین‌ها و مراسم و عواملی که می‌توانند در استغنا و تکرر و شدت آنها ایفای نقش کنند.

- از آنجایی که اصلی‌ترین علت تقدس یافتن یک مکان، انتساب آن به خداوند متعال یا یکی از انسان‌های منتسب به اوست، بنابراین، شناخت مرتبه‌ی هویت مکان واجد اهمیت شایان توجهی است. ضمن آنکه باید توجه داشت که تعریف و صفات خداوند متعال و جایگاه و ارزش و مقام انسان‌های منتسب به وی در ادیان مختلف در طیف وسیعی قابل طبقه‌بندی هستند که لزوم آگاهی به این موضوعات را برای شناخت عنصر مقدس ضروری می‌نماید. همین مورد سبب می‌شود تا حوزه‌ی تأثیر و میزان و چگونگی جاذبه‌ی عناصر و مکان‌های مقدس با یکدیگر متفاوت و متمایز باشند.

ویژگی‌های معنوی عام: این ویژگی‌ها، ویژگی‌هایی هستند که

معمولاً در همه‌ی ادیان و برای همه‌ی مکان‌های مقدس مورد توجه هستند، اما طبیعی است که مفهوم آنها در ادیان مختلف متفاوت هستند. مثل «وحدت» که در اسلام برخاسته از تفکر توحیدی خاص و منحصر به فرد اسلام است. مثل «مرکز» بودن معابد، که در اسلام این موضوع تنها در مورد کعبه‌ی معظمه مصداق دارد. مثل جهت که در برخی ادیان به سمت جهات جغرافیایی و در اسلام به سمت کعبه‌ی معظمه است.

ویژگی‌های معنوی خاص: هر دینی، واجد ویژگی‌هایی منحصر به خویش است که به این ترتیب برنامه‌ریزان و طراحان بافت‌های پیرامون عناصر مقدس باید متوجه باشند و با ملحوظ داشتن این ویژگی‌ها، از تکرار و تقلید روش‌های سایر ادیان احتراز کنند. برای نمونه، جایگاه مشاهد متبرکه در مذهب تشیع یا برپایی جماعات یومیه‌ی پنج‌گانه در اسلام یا برپایی مراسم هفتگی در مسیحیت و همچنین تعریفی که هر یک از ادیان از انسان و رابطه‌ی او با خداوند متعال ارائه می‌کنند ویژگی‌هایی هستند که برای شناخت آنها تعمق در همان دینی که برای مکان مقدسش برنامه‌ریزی می‌شود ضرورت دارد. مثال دیگر، هنر قدسی خوش‌نویسی در اسلام یا قداست نگارگری در مسیحیت است که به عنوان هنری قدسی مطرح است.

ویژگی‌های ظاهری: این ویژگی‌ها، در واقع، همان ویژگی‌هایی هستند که برای آثار زیبا و ارزشمند و همچنین مقدس از قدیم‌الایام مطرح بوده‌اند. اهم این ویژگی‌ها را در معنای برخی از اشکال هندسی، بعضی از هنرها، برخی از اصول (مثل تقارن، تعادل، هماهنگی، وحدت، درون‌گرایی یا برون‌گرایی و امثالهم) و حتی معانی نمادین فرم‌ها (مربع و دایره و قوس) و اعداد و عناصر طبیعی (مثل نور و آب و باد و خاک) و عناصر معماری و مصالح مختلف می‌توان یافت.

علل اصلی لزوم توجه فاص به بافت‌های پیرامون عناصر مقدس

قبل از هر چیز باید مقصود از «عنصر مقدس» و جایگاه آن در فرهنگ ایرانی تبیین شود، که در جهت وضوح این موضوعات که زمینه‌ساز شناخت «لزوم توجه خاص» است، موارد زیر قابل ذکر هستند.

- تماس با هر پدیده‌ای روش و ویژگی‌های خاص خود را طلب می‌کند. حتی اگر پدیده‌ها و موضوعات از نظر مفهومی واحد باشند، نحوه‌ی برخورد با هر یک از آنها، اگر نه در کلیات که در جزئیات، متفاوت خواهد بود. در واقع، برای وصول به نتیجه‌ی مطلوب و مناسب در تماس با هر پدیده‌ای باید اصول و معیارهای متناسب با آن پدیده را در حد و مقیاس پدیده‌ای مورد نظر انتخاب کرد.

- موضوعاتی که در مورد هر پدیده‌ای می‌توانند ملاک عمل و

هستند، برخورد با آنها و همچنین با عناصر مرتبط با آنها از جایگاه خاصی برخوردار است.

- نکته‌ی بسیار مهم این است که در برخورد با عناصر و مکان‌های مقدس هر جامعه و هر دینی، بنا به ماهیت مکان‌های مقدس همان جامعه و دین، باید اصول و معیارها و روش متناسب با آن انتخاب شود. برای نمونه، موضوعات مربوط به آداب زیارت، آداب عبادت، چگونگی برپایی آیین‌ها، چگونگی دوره‌ی تکرار آیین‌ها، نوع برخورد با آن را تعیین می‌کنند. به این ترتیب است که نحوه‌ی برخورد سایر جوامع، مثلاً غربیان مسیحی با عناصر و اماکن مقدس آنها نمی‌تواند الگوی مسلمانان قرار گیرد. ضمن آنکه به خصوص در سده‌های اخیر نگرش غربیان به موضوعات مقدس و قدسی، از «اموری قدسی» به «اموری زمینی» تبدیل شده و عموماً از منظر جلب گردشگر و کسب درآمد و حفاظت‌های تاریخی و سایر معیارهای مادی مورد توجه قرار می‌گیرند و از نظر بسیاری از برنامه‌ریزان و مدیران، از نظر حفاظت و ترمیم و مرمت و حتی ارزش، بین یک کلیسا و یک کاخ سلطنتی و یک زندان تاریخی، تفاوتی وجود ندارد؛ و آنچه اهمیت هر یک را می‌نمایند وسعت و قدمت و هنرها و فنون به کار گرفته شده و کثرت بازدیدکنندگان و میزان درآمد حاصله است. در واقع، نگرشی موزه‌ای همه‌ی آثار را اعم از مقدس و غیرمقدس و حتی نامقدس به یک میزان مورد توجه قرار می‌دهد.

- توجه به ماهیت و نقش موضوعات و اماکن مقدس در شکل‌گیری و توسعه‌ی شهرها و بافت‌های شهری و سازمان فضایی آنها از جایگاه شایان توجهی برخوردارند. قابل ذکر است که برخی از اماکن مذهبی مثل زیارتگاه‌ها و مشاهد و مقابر متبرکه و مکان‌هایی همچون قدمگاه‌ها قابل تکرار نیستند و نمی‌توانند بنا به نظر طراح و برنامه‌ریز مکان‌یابی شده یا برای شهرهای آینده پیش‌بینی شوند. این در عین حالی است که این اماکن در شکل‌گیری و ظهور یا توسعه‌ی برخی از شهرها (مثل مشهد مقدس و کربلای معلی و نجف اشرف و شهر قم) نقشی غیرقابل‌انکار و یگانه ایفا نموده‌اند. علاوه بر آن، مکان زیارتگاه‌ها و میزان مراجعه‌ی به آنها بر طرح عمومی شهر و محله‌بندی و شبکه‌ی معابر و سازمان فضایی و مکان‌گیری مختلف عملکردها تأثیرگذار بودند.

- حسینه‌ها، تکایا، خانقاه‌ها، سقاخانه‌ها و عباسیه‌ها نوع دیگری از اماکن مذهبی هستند که در شهرهای مختلف بنا به مذهب مردم از جایگاه درخور توجهی برخوردار بوده‌اند. برای نمونه، تحقیقات متعددی (که البته در مقایسه با اهمیت موضوع بسیار اندک هستند و اگر غربیان بودند هزاران پژوهش در این مقولات به انجام می‌رساندند) حکایت از تأثیر این اماکن از جمله در سازمان فضایی و تصور ذهنی

بستر مطالعه قرار گیرند در دو قلمرو و در دو طبقه‌ی اصلی کیفی و کمی قابل طبقه‌بندی هستند. یکی از اصلی‌ترین قلمروهای مغفول در برخورد با پدیده‌ها در دوران معاصر، قلمرو کیفی و به‌ویژه وجه معنوی و روحانی آن است. این غفلت به‌ویژه در مورد پدیده‌هایی که خود ماهیتاً از وجهی معنوی و دینی برخوردار هستند خسارت‌های معنوی جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت. نکته‌ی بسیار مهم این است که مراد از ملحوظ داشتن وجه کیفی و معنوی، صرف ظاهر و کالبد و معنای ظاهری و مصطلح آنها نیست و آنچه که بیشتر از ظاهر دارای اهمیت است باطن و معنویت است که در ورای ظاهر نهفته است. به بیان دیگر، در مطالعه‌ی پدیده‌های معنوی، بیش از پرداختن به علامت‌ها و نشانه‌ها، توجه به نمادها و رموز نهفته در آنها شایسته‌ی توجه است. توجه شود که هم بین این موضوعات (رمز، راز، آیه، نشانه، نماد و علامت) و توانایی آنها در تذکر انسان به موضوعات معنوی تفاوت وجود دارد؛ و هم این که در این زمینه نیز همون بسیاری موارد آراء غربیان تحت عنوان نشانه‌شناسی باب شده است (نقی‌زاده، ۱۳۸۹ و ۱۳۸۸).

- «مقدس‌ها» و به دنبال آن، عناصر مقدس و مکان‌های مرتبط با آنها از موضوعاتی هستند که به نوعی با ماوراء الطبیعه و در ادیان الهی با عالم قدس و ملکوت در ارتباط هستند و تماس با آنها، آن عالم ماورایی و قدسی را به ذهن انسان متبادر می‌نماید، یا انسان را با ماوراء الطبیعه و قدسیان مرتبط می‌کند. به این ترتیب، اصلی‌ترین عامل تعریف‌کننده‌ی «مقدس» و «اماکن مقدس» اصول و مبانی معنوی دینی است که این موضوعات در آنها تعریف می‌شوند. به بیان دیگر، «مقدس» بودن در اسلام با «توحید» به عنوان رکن اصلی و بنیادین اسلام ارتباطی غیرقابل‌انکار دارد که آن را از آنچه که در سایر ادیان (مثل مسیحیت، بودیسم، هندویسم و حتی بت‌پرستی و شرک) مقدس نامیده می‌شوند متمایز می‌گرداند. اما این که اصولاً در اسلام مکان یا مکان‌هایی مقدس وجود دارند، قابل ذکر است که این موضوع امری بدیهی است که باور به آن متمایزکننده‌ی این تفکر با تفکراتی است که عالم را متجانس و همگون می‌داند. در این باب بسیار سخن رفته است (الیاده، ۱۳۷۲ و ۱۳۷۵؛ بورک‌هارت، ۱۳۷۶؛ نقی‌زاده، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۰) که تنها به این موضوع اشاره می‌شود که اماکن مقدس در میان مسلمانان مکان‌هایی هستند که به نحوی با حضرت احدیت در ارتباط هستند.^۲

- نقش اصلی عناصر و مکان‌های مقدس، این است که ارتباط انسان با متافیزیک را برقرار می‌کنند. با عنایت به جایگاه و اهمیت این عناصر و مکان‌ها و این که به سهولت و در بسیاری از موارد اصلاً قابل تغییر نیستند و از نظر جامعه واجد ارزش و جایگاهی خاص

مردم بر مجتمع‌های زیستی مسلمانان دارند (امین‌زاده و نقی‌زاده، ۱۳۷۹؛ امین‌زاده، ۱۳۷۹ و ۱۳۷۸؛ نقی‌زاده، ۱۳۸۹؛ سلطان‌زاده، ۱۳۷۴). این عناصر به همراه آیین‌های جنبی خویش مثل حرکت دسته‌های عزاداری و مراسم تعزیه‌خوانی و حرکت دادن عناصری چون نخل و عَلم (که جلوه‌های حرکت به سوی معبود بوده‌اند)، سیمای شهرها را حتی برای مدتی به شدت و در طول سال با شدت کمتری تحت تأثیر قرار می‌دادند، و بالاخره مساجد که از اصلی‌ترین مکان عبادت مسلمانان و موجد ارتباط مستقیم و بلاواسطه‌ی انسان با خداوند سبحان هستند، عوامل هویت‌دهنده‌ی کالبدی همه‌ی مجتمع‌های زیستی مسلمانان اعم از شهر و روستا بوده‌اند.

لزوم نگرش فاص به مشهد و اصول اصلی طراحی مرکز آن

با عنایت به آنچه گذشت و با تأکید بر این که مشهد مقدس، نگرش خاص خود را طلب می‌کند، اصلی‌ترین دلایل برای اتخاذ این نگرش خاص عبارتند از:

- همه‌ی شهرها به دلایل اقلیمی و تاریخی و فرهنگی و طبیعی و اقتصادی نگرش خاص خود را طلب می‌کنند؛
- مشهد مقدس پذیرای مراجعین یا مسافرین و به عبارت بهتر زائران فراوانی می‌باشد؛
- یکی از اصلی‌ترین سفرهای درون شهری، سفر همه‌ی مردم شهر در ایام خاص و تکرارهای فراوان به مرکز شهر برای زیارت و حضور در حرم رضوی است؛
- مشهد مقدس زیارتگاهی است که حتی با احتساب زیارتگاه‌ها و مکان‌های مقدس سایر ادیان، تعداد مشابه اندکی در سراسر جهان برای آن وجود دارد؛
- این زیارتگاه به عالم اسلام و جهان تشیع متعلق است؛ و اگر چه هر یک از این موضوعات به عنوان دلیلی برای نگرش خاص به شهر کافی است، اما مجموعه‌ی آنها اهمیت این نگرش خاص را دوچندان می‌کند؛ و به این ترتیب تهیه‌ی طرح و برنامه برای این شهر در قالب رویه‌های جاری مقرون به صواب نخواهد بود. ضمن آنکه نظارت بر اجرای دقیق طرح‌ها نیز تشکیلات خاص خود را طلب می‌کند. توجه شود که در بسیاری از نقاط عالم، برای موارد خاص کمیسیون‌ها و کمیته‌های مخصوص (و واقعاً متمایزی) وجود دارند. این تمایز و اختصاص، نه برای بهره‌برداری اقتصادی حد اکثری، که عموماً برای اعمال دقیق و اطمینان از مراعات اصول و مبانی طرح است.
- به این ترتیب، توجه به تقدس حرم و حرمت آن، به سادگی، اصول و

معیارهایی را به برنامه‌ریز و طراح دیکته می‌کند، که اهم آنها عبارت از: - با عنایت به این که شهرها و فضاهای آنها برای زندگی و فعالیت انسان پدید می‌آیند، می‌توان برای شهرها موضوعات عامی را مطرح کرد که در باره‌ی همه‌ی شهرها مصداق داشته باشند؛ با این تذکر که در عین همسان بودن و وحدت عناوین، مصادیق آنها در هر شهر تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. امروزه اصلی‌ترین موضوعات عالم در قلمرو شهر و شهرسازی عبارتند از: «مباحث مرتبط محیط زیست»، «موضوعات مربوط به حقوق انسان‌ها» و «توجه به میراث فرهنگی» هستند؛ که در عین اذعان به لزوم توجه جدی به این موضوعات، نکته‌ی قابل تأمل، ملحوظ داشتن آراء مأخوذ از تعالیم اسلامی و فرهنگ ایرانی، به‌ویژه سیره‌ی معصومین (ع) در این زمینه‌ها هستند. توجه شود که علت اصلی ایجاد شهری به نام مشهد مقدس با گستردگی و جمعیت موجود، وجود حرم رضوی (ع) در آن است. علاوه بر آن، دلیل اصلی دوام و بقای تضمین شده‌ی آن نیز حضور همین حرم شریف است.

- هر شهری، هم در جهت پاسخگویی به نیازهایی پدید آمده، و هم این که به نیازهای خاصی پاسخگو است. توجه شود که تا نیازها و علل پیدایش و دوام و بقای شهر برقرار هستند، باید به این اصالت توجه کافی مبذول داشت، و سایر نیازها و علل را جایگزین آن ننمود. به بیان دیگر، اگر شهر می‌خواهد «مشهد» باقی بماند، نباید از این علل و موضوعات مربوط به آنها اعلام استقلال کند و مستقل از اینها عمل کند. اهم این موضوعات عبارتند از: «حضور مضجع شریف امام (ع)»، «تفکر شیعی»، «فرهنگ ایرانی» و «خرده-فرهنگ‌های مرتبط با این تفکر و فرهنگ»؛

- سیطره‌ی معنوی و کالبدی این مکان مقدس باید کاملاً محفوظ بماند؛

- مسیرها و محورها و فضاهای عمومی که این مکان و شاخصه‌های آن قابل رؤیت هستند به حد اکثر برسد؛

- محدوده‌ی حرم رضوی، فضاهای مربوطه و حریم آن از غوغا و اغتشاش و ازدحام و سروصدای انواع فعالیت‌ها در امان باشد؛

- فعالیت‌های غفلت‌زا و برهم‌زننده‌ی حضور قلب و جاذب در پیرامون و مسیرهای منتهی به این مکان مقدس ظاهر نشوند؛

- محدوده‌ی مورد نظر باید نمایشگر حد اکثر طهارت (معنوی و فرهنگی)، زیبایی (معنوی و بصری)، تذکرده‌ی و غفلت‌زدایی، آرامش فرهنگی و هویت (معنوی و کالبدی) باشد؛

- حرم رضوی (ع) مرکز توجه قریب به اتفاق کسانی است که در محدوده‌ی مرکزی شهر حضور می‌یابند. در حقیقت، مردمان، در این

ندارد. و قبل از دخول در مباحث مرتبط با بافت مرکزی شهر مشهد، توجه به تمایز برخی تعابیر در تفکرات و جوامع گوناگون، که ضرورت تهیه برنامه و طرحی متمایز و متفاوت و خاص برای شهر را توجیه می‌کند، ضرورت دارد: اهم این موضوعات عبارتند از: هویت، دینی بودن یا تقدس داشتن، زیبایی، رویکرد خاص (یا به عبارتی، همسازی و همخوانی عملکرد شهر با علت وجودی و دلیل دوام آن).

نتیجه گیری

به این ترتیب و به منظور شناخت عواملی که مغفول نهادنش در طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، آسیب به عناصر مقدس و بافت‌های شهری و فرهنگ عمومی و هویت ملی را در پی خواهد داشت، موضوعات مربوطه در سه طبقه اصلی قابل دسته‌بندی و مطالعه هستند:

- علل اصلی لزوم توجه خاص به اماکن مقدس؛
- شناخت ویژگی‌های روند جاری (و با توجه به این دو مورد)؛ و
- موضوعات اصلی که باید مورد توجه قرار گیرند تدوین خواهند شد. در عین حال، این نکته‌ی اساسی را نیز نباید کتمان کرد که شهر در حال شدن و تحول و دگرگونی و تغییر است، و نمی‌توان صبر کرد تا این اقدامات انجام و به ثمر برسند. اما می‌توان برنامه‌های هم‌زمان تدوین کرد؛ و می‌توان با برنامه‌هایی اندیشیده چون برپایی مسابقات جدی و گسترده (و با خواسته‌های مشخص)، و با پرداخت هزینه‌ی همه‌ی شرکت‌کنندگان (با امکانات و مشخصات خاص) وصول به برنامه‌ها و طرح‌های مناسب را تسهیل کرد.

تخصص‌گرایی علمی که در قرن گذشته به شدت رواج یافته است ظهور (و تولید) دانشمندان و انسان‌هایی را سبب شده است که «روز به روز به دانش آنها افزوده می‌شود و در عین حال روز به روز کم‌فرهنگ‌تر می‌شوند.» (اورته گالی، به نقل از جعفری، ۱۳۴۳، ۲۷)

پی‌نوشت‌ها

۱. گاهی نیز تعابیری همچون بافت‌های فرسوده یا مسأله‌دار برای بافت‌های تاریخی استعمال می‌شود. در واقع، اینها تعابیری هستند که هر از گاهی در تشکیلات مرتبط با شهر و شهرسازی مطرح می‌شوند؛ و با تغییر ارکان تشکیلات تغییر می‌کنند.
۲. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه، ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۹۰.
۳. از جمله مکان‌هایی که صراحتاً از سوی خداوند یا پیامبرش (ص) مقدس نامیده شده‌اند، مثل وادی طور و مکه‌ی مکرمه و مسجدالاقصی و مکان

صحنه، بیشتر از همیشه و همه‌جا، خویش را در حضور امام (ع) می‌بینند. به این ترتیب، در عین حفظ حرمت حرم، آداب ظاهری این احترام باید رعایت شود، که اصلی‌ترین آن رعایت «تواضع» کالبد شهر در برابر مضجع شریف امام همام (ع) است. مرحوم آل‌احمد (۵۰ سال قبل، خطاب به شهردار تهران) می‌نویسد: «آقای شهردار! آیا می‌دانید که در یک شهر اسلامی، بلندتر از مناره‌ی خانه‌ی خدا چیزی ساختن زشت است؟ دست‌کم این را می‌دانید که حتی برج مقبره‌ی سلطنتی را هم از گنبد حضرت عبدالعظیم بلندتر نساختند» (آل‌احمد، ۱۳۵۷، ۲۳۹). این تواضع (به همراه ادب و احترام)، هم در کالبد، هم در رفتار مردمان، هم در میزان اصوات و صداهای ساطع در فضا، هم در میزان و نوع آلودگی‌ها، و هم در انواع تناسبات شکلی و کالبدی و عملکردی و معنایی، باید مورد توجه قرار گیرد. به این ترتیب، علاوه بر رعایت اخلاق عمومی و لزوم اصلاح و کمال رفتارها، انتخاب کاربری‌ها و عملکردهای مناسب نیز ضرورت دارد.

- حتی اگر نتوان گفت، اکثریت کسانی که به مشهد سفر می‌کنند برای زیارت است، می‌توان گفت که اکثریت کسانی که به مشهد سفر می‌کنند، به حرم رضوی (ع) نیز برای زیارت مشرف می‌شوند، ضمن این که کثیری از سفرها به مشهد مقدس، به قصد زیارت است. این قصد به ویژه از سوی اکثریت مسافرین خارجی (جز کارکنان پیمانکاران و شرکت‌های چندملیتی) نیز مصداق دارد. به این ترتیب، توجه به ویژگی‌هایی که برای آداب زیارت (از جمله «طهارت» و «حضور قلب» و «آرامش» و «متذکر بودن» و «امنیت» و «هدایت» و «معنویت») مطرح هستند، یک ضرورت اساسی است که دقیقاً باید رعایت شده و فضای مناسب تأمین شود.

- در باب هویت (علاوه بر آنچه در مورد تمایزات و معنای خاص برخی از تعابیر در جوامع مختلف ذکر شد که مرعی داشتندشان در احراز هویت هر شهر نقشی اساسی ایفا می‌کند)، ملحوظ داشتن مباحث و موضوعاتی چون تذکرده‌ی هدایت، آموزش محیط، بهره‌گیری از نمادها و نشانه‌ها، توجه به تداوم تاریخی بافت و این که خصوصیت تاریخی آن چه بوده است، نیز ضرورت‌هایی هستند که توجه به آنها در احراز هویت مورد نظر شهر و تداوم و تقویت این هویت حایز اهمیت در خوری است.

- خلاصه این که، همه‌ی اینها انسان را به سمت تدوین برنامه‌ای خاص برای این محدوده هدایت می‌کند. مگر نه این که همه‌ی کسانی که در این محدوده حضور می‌یابند، به نحوی به زیارت می‌روند یا به زیارت آمده‌اند، پس باید آداب زیارت را رعایت کنند، و شهر نیز باید آنان را در رعایت این آداب کمک کند و آنان را از این رعایت باز

مسجد پیامبر (ص) (طه: ۱۲، نازعات: ۱۶، آل عمران: ۹۶ و اسراء: ۱). دیگری مکان‌هایی هستند که در آنها خداوند عبادت می‌شود و اجازه‌ی ترفیع آنها از سوی او صادر شده است. مکان‌های مقدس دیگر کانون‌های منسوب به اولیاء الهی و از جمله مقابر آنها هستند که به استناد آیه‌ی شریفه‌ی ۲۱ سوره‌ی مبارکه‌ی کهف می‌توانند به عنوان مسجد نیز مکان عبادت خداوند باشند.

فهرست مراجع

۱. آل احمد، جلال. (۱۳۵۷). *ارزیابی ستا برده*. تهران: امیرکبیر.
۲. الیاده، میرچیا. (۱۳۷۵). *مقدس و نامقدس*. (نصرالله زنگویی، مترجم). تهران: سروش.
۳. ----- (۱۳۷۲). مکان مقدس. *نامه فرهنگ*. ۹، ۹۷-۸۸.
۴. امین زاده، بهناز. (۱۳۷۸). حسینیه‌ها و تکایا: بیانی از هویت شهر ایرانی. *هنرهای زیبا*. ۶، ۶۵-۵۵.
۵. امین زاده، بهناز؛ و نقی زاده، محمد. (۱۳۷۹). *کیفیت تجلی توحید در مراکز شهرهای ایرانی (طرح پژوهشی)*. دانشکده‌ی هنرهای زیبا. دانشگاه تهران. تهران.
۶. بنیادی، ناصر. (۱۳۸۸). *روش‌های مداخله در بافت‌های کهن (رساله‌ی دکتری)*. دانشکده هنر و معماری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. تهران. ایران.
۷. بورکهارت، تیتوس. (۱۳۷۶). *هنر مقدس: اصول و روش‌ها*. (جلال ستاری، مترجم). تهران: سروش.
۸. جعفری، محمدتقی. (۱۳۴۳). *علم در خدمت انسان*. تهران: انتشارات نور.
۹. حبیبی، سیدمحسن؛ و مقصودی، ملیحه. (۱۳۸۱). *مرمت شهری*. تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. سلطان زاده، حسین. (۱۳۷۴). *ناتین شهر هزاره‌های تاریخی*. تهران:

دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۱۱. طغیانسی، شیرین؛ و نقی زاده، محمد. (۱۳۹۰). *ضرورت مدیریت بحران‌های هویتی در فضاها‌ی شهری*. *هویت شهر*. ۹، ۸۲-۷۳.
۱۲. گلشنی، مهدی؛ و غلامی، رضا. (۱۳۸۷). *گزارش پژوهش ملی ایران و جهانی شدن*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۳. مطهری، [شهید] مرتضی. (۱۳۵۷). *علل گرایش به مادیگری*. تهران: انتشارات صدرا.
۱۴. نقی زاده، محمد. (۱۳۸۵). *شهرسازی و معماری اسلامی (مبانی نظری)*. اصفهان: انتشارات راهیان.
۱۵. ----- (۱۳۸۷). *شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات)*. اصفهان: انتشارات مانی.
۱۶. ----- (۱۳۸۸). *مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی*. تهران: نشر شهر.
۱۷. ----- (۱۳۸۹). *روایتی ایرانی از حکمت، معنا و مصادیق هنر*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۸. ----- (۱۳۹۰). *شهر آرمانی اسلام یا فضای حیات طیبه*. تهران: نشر شهر.
۱۹. ----- (۱۳۹۲). *تحلیل و طراحی فضای شهری (مبانی، تعاریف، معیارها، شیوه‌ها)*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲۰. ----- (۱۳۹۳). *هویت شهر (مبانی، مؤلفه‌ها و جلوه‌ها)*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲۱. نقی زاده، محمد؛ و درودیان، مریم. (۱۳۸۷). *تبیین مفهوم گذار در هویت تمدن ایرانی*. *هویت شهر*. ۳، ۸۴-۷۳.
۲۲. *نهج البلاغه (مجموعه‌ی خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار امام علی بن ابیطالب (ع))*. (عبدالمحمد آیتی، مترجم). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.